

واکاوی معیار تشخیص جرایم مختلف و غیرمختلف در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد عینی و نقد رای: مطالعه موردی جرایم مشروبات الکلی داخلی و خارجی

مهدی فاضلی

قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه کاشان

ORCID: 0009-0000-2807-7390

سعید رمضانی

قاضی دادگستری و دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

ORCID: 0009-0000-4584-8935

چکیده

ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در مقام تعیین قواعد مربوط به جمع مجازات‌ها، با استفاده از واژه «مختلف» در فرآیند تشخیص ماهیت جرایم، با یک ابهام ساختاری و اساسی روبه‌روست. فقدان تصریح قانونی و نبود تعریف دقیق از مراد مقنن نسبت به این واژه، منجر به بروز اختلاف‌نظرهای عمیق در دکتترین حقوقی و تشتت ملموس در رویه قضایی شده است؛ امری که در نهایت اجرای منسجم و پیش‌بینی‌پذیر عدالت کیفری را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی، به دنبال تبیین معیار صحیح و علمی برای تشخیص جرایم مختلف و غیرمختلف است. در این راستا، ضمن بررسی و واکاوی دیدگاه‌های نظری موجود در حقوق کیفری، این مقاله با نقد یک رأی قضایی مرتبط با تعدد جرایم مشروبات الکلی داخلی و خارجی، ابعاد عملی این ابهام را نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اتکای نظام حقوقی به معیارهای ماهوی در تشخیص جرایم، به دلیل ایجاد امکان تفسیرهای متعارض و تضعیف کارآمدی نظام عدالت، از استحکام و اعتبار لازم برخوردار نیست. بر این اساس، این پژوهش «نظریه عینیت» را به‌عنوان یک الگوی جایگزین و معیار پیشنهادی مطرح می‌کند؛ نظریه‌ای که بر اصل انطباق کامل میان عنصر قانونی جرم و ساختار مجازات استوار است تا از ابهام‌زدایی در اجرای قانون اطمینان حاصل شود.

کلید واژه: جرایم مختلف، جرایم غیرمختلف، تعدد جرایم، ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مشروبات الکلی.

برای مدیریت این تعدد پیش‌بینی کرده است. بند (الف) این ماده، در صورت «غیرمختلف» بودن جرایم، امکان تعیین یک مجازات واحد را با اختیار تشدید آن فراهم می‌آورد؛ در حالی که بند (ب)، در صورت «مختلف» بودن جرایم، مجازات‌ها را به صورت جداگانه و با رعایت قواعد مربوط به ترکیب مجازات تعیین می‌کند. با این حال، چالش اصلی و بنیادین در اجرای این ماده، تفسیر و تعیین ملاک روشن برای واژه «مختلف» است. قانون‌گذار در ماده ۱۳۴، ضابطه مشخصی برای تشخیص جرایم مختلف و غیرمختلف ارائه نکرده است. این ابهام، پرسش کلیدی را مطرح می‌سازد: آیا ملاک تشخیص «مختلف بودن»، انطباق دقیق «عین» و جزئیات قانون و مجازات مقرر (رویکرد عینیت) است، یا صرف تطابق عنوان مجرمانه، عنصر قانونی واحد، یا اجزای رکن مادی، برای غیرمختلف دانستن جرایم کافی است؟ این ابهام، خود را به شکلی عیان در پرونده‌های مربوط به تعدد جرایم مشروبات الکلی داخلی و خارجی نشان می‌دهد. از یک سو، تفاوت در قوانین حاکم (قانون مجازات اسلامی در مقابل قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) و همچنین تفاوت در نحوه محاسبه جزای نقدی، موجب شده است تا گروهی از حقوق‌دانان، بر اساس «ملاک عینیت»، این دو جرم را «مختلف» تلقی کرده و اعمال بند (ب) ماده ۱۳۴ را ضروری بدانند. در مقابل، برخی دیگر با استناد به ملاک‌هایی نظیر یکی بودن ماهیت دو جرم (مصرف یا حمل کالای ممنوعه)، معتقدند این جرایم «مختلف» نیستند و باید مشمول بند (الف) گردند. پذیرش هر یک از این دو دیدگاه، پیامدهای حقوقی و عملی متفاوتی به همراه دارد. دیدگاه اول، با رعایت دقت قانونی، مستلزم تعیین مجازات مستقل برای هر جرم و الزام قاضی به اعمال قواعد تشدید مجازات است که می‌تواند به بازدارندگی بیشتر منجر شود. در مقابل، دیدگاه دوم، به تعیین یک مجازات واحد با اختیار تشدید آن توسط قاضی می‌انجامد که چالش‌هایی نظیر احتمال سوءاستفاده از قانون برای فرار از مجازات‌های سنگین‌تر و تضعیف اصل بازدارندگی را به دنبال دارد. مقاله حاضر با هدف واکاوی این تضاد نظری، بر آن است تا با نقد رأی قضایی صادر شده در خصوص تعدد جرایم مشروبات الکلی داخلی و خارجی (که در آن تنها یک مجازات تعیین شده است)، و با تکیه بر تفسیر واژگانی ماده ۱۳۴ و اتخاذ رویکردی مبتنی بر «ملاک عینیت»، اثبات نماید که تعیین یک مجازات واحد در موضوع رأی صادره و موارد مشابه، مطابق با قانون نیست. در نتیجه، برای جلوگیری از سوءاستفاده متهمان و رفع اختلاف در رویه قضایی، لازم است واژه «جرایم غیرمختلف» در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تنها به مواردی اختصاص یابد که یک جرم عیناً تکرار شده باشد؛ و در سایر موارد، باید مطابق با بند (ب) ماده مذکور عمل شود.

۱. تعدد جرم

نخستین تجربه قانون‌گذاری متمایز در حوزه تعدد جرایم، به سال ۱۳۰۴ باز می‌گردد. ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی وقت، با استفاده از عبارت «جرمی را مکرراً مرتکب شده»، عملاً بر مفهوم تعدد جرایم مشابه و یکسان تمرکز داشت. با توجه به سکوت مقنن در قبال جرایم مختلف، می‌توان استنباط کرد که رویکرد حاکم، نگاهی «انباشت مجازات‌ها» یا «جمع بینانه» (Cumulation) در مواجهه با جرایم مختلف و نگاهی «تعدیلی» در مواجهه با جرایم مشابه بوده است.

این رویکرد در سال ۱۳۱۱ با تصویب «قانون متمم اصول محاکمات جزایی» دچار تحولی بنیادین شد. ماده ۳۳ پیشین نسخ گردید و قاعده‌ای جایگزین شد که در آن، صرف‌نظر از یکسان بودن یا نبودن جرایم، بر اصل «اجرای اشد مجازات» تأکید می‌شد؛ به این معنا که برای هر جرم، حداکثر مجازات در نظر گرفته می‌شد، اما در مقام اجرا، تنها اشد مجازات‌ها به اجرا درمی‌آمد.

در سال ۱۳۵۲، قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات عمومی، پارادایم جدیدی را وارد عرصه کرد؛ بدین معنا که نحوه تشدید مجازات را تابعی از «تعداد جرایم» قرار داد. این روند با پیروزی انقلاب اسلامی، در قالب مواد ۲۵ قانون مربوط به مجازات‌های اسلامی (۱۳۶۱) و متعاقباً ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)، به بلوغ رسید. در این دوره، ملاک اصلی برای تعیین نوع برخورد با تعدد جرایم، «مختلف بودن یا نبودن جرایم» بود. بر این اساس، اگر جرایم مختلف بودند، مجازات‌های جداگانه تعیین می‌شد و اگر یکسان بودند، تعدد جرم به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده کیفر شناخته می‌شد.

پس از یک دوره گذار، قانون‌گذار در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با حرکتی معکوس، عملاً قواعد مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ را احیا نمود. اما نقطه عطف و چالش اصلی در اصلاحیه سال ۱۳۹۹ (ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) نمایان شد. در این اصلاحیه، مقنن با رویکردی تلفیقی، هر دو ضابطه «تعداد جرایم» و «نوع جرایم» را در کنار هم قرار داد و ساختار جدیدی را برای جرایم تعزیری ترسیم نمود. این ماده، بر پایه «مختلف بودن یا نبودن جرایم» به شرح زیر عمل می‌کند:

بند (الف): در صورت «مختلف نبودن» جرایم، تنها یک مجازات تعیین می‌شود، اما دادگاه اختیار دارد با رعایت قواعد قانونی، مجازات را تشدید کند.

بند (ب): در صورت «مختلف بودن» جرایم، مجازات‌ها به صورت جداگانه تعیین شده و سپس با رعایت قواعدی خاص - مقنن اجازه داده است که مجازات هر یک از جرایم، حتی از «سقف مجازات قانونی» نیز تا میزان یک‌چهارم فراتر رود - مجازات نهایی تعیین می‌گردد.

بند (پ): جرایم مختلف (بیش از سه جرم): در این حالت نیز مجازات‌های جداگانه تعیین شده و مجازات هر جرم می‌تواند تا یک‌چهارم از حداکثر قانونی فراتر رود.

با بررسی دقیق ساختار ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، یک شکاف تقنینی و حقوقی عمیق بروز می‌نماید. قانون‌گذار علی‌رغم آنکه ملاک اصلی تعیین الگوریتم مجازات را بر پایه «مختلف بودن یا نبودن جرایم» قرار داده‌است، اما از ارائه هرگونه معیار، تعریف یا ضابطه‌ای برای «تشخیص تمایز میان جرایم مختلف و غیرمختلف» خودداری نموده است. این سکوت قانون‌گذار موجب بروز اختلاف نظر میان حقوقدانان و قضات در تبیین این مفهوم شده است و معیارهای مختلف و متعددی برای تشخیص آنها ارائه شده است.

۲-۱. معیار تفکیک جرایم مختلف و غیر مختلف:

تعدد جرم و تقسیم آن به دو دسته «مختلف» و «غیرمختلف» در حقوق کیفری ایران، سابقه‌ای طولانی دارد؛ با این حال، مقنن تا به امروز از ارائه تعریفی دقیق و ضابطه‌مند برای این تفکیک خودداری کرده است.

در خصوص مصادیق جرایم «غیرمختلف» که مشمول بند (الف) ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی می‌گردد، قدر متیقن، مواردی است که مرتکب، یک رفتار مجرمانه را به صورت تکراری و با عنوان مجرمانه واحد انجام دهد؛ برای نمونه، ارتکاب دو فقره کلاهبرداری یا دو فقره خیانت در امانت، بدون تردید در زمره جرایم غیرمختلف جای می‌گیرند.

با این وجود، میان حقوقدانان پیرامون دامنه این مفهوم اختلاف نظر جدی وجود دارد. گروهی معتقدند که دایره جرایم «غیرمختلف» محدود به «تکرار عین جرم» نیست. استدلال این گروه بر این پایه استوار است که اگر اراده قانون‌گذار صرفاً ناظر به تکرار یک جرم واحد بود، می‌بایست در بند (الف) ماده ۱۳۴ صراحتاً عبارت «ارتکاب یک جرم برای چند بار» را به کار می‌برد، نه واژه «غیرمختلف». از نگاه این دسته از صاحب‌نظران، واژه «غیرمختلف» به معنای «متجانس بودن» است و فراتر از وحدت عنوان مجرمانه، جرایمی را که از حیث ماهیت، رفتار مجرمانه، یا رکن مادی شباهت‌های بنیادین دارند نیز شامل می‌شود. برای مثال، در پرونده‌های حمل و نگهداری مشروبات الکلی، با اینکه ممکن است دو رفتار مجزای حمل و نگهداری موضوعیت داشته باشد، اما از آنجا که ماهیت و هدف هر دو رفتار یکی است، برخی آن‌ها را غیرمختلف می‌دانند. این در حالی است که رویکرد مقابل، با تکیه بر تفسیر مضیق به نفع متهم و لزوم دقت در تعیین کیفر، معتقد است هرگونه بسط دامنه «غیرمختلف» به جرایمی که تنها در «صفات» یا «جزئیات» شباهت دارند، منجر به تشتت رویه و نقض اصل تناسب جرم و مجازات می‌شود. به اعتقاد این طیف، عدم ارائه تعریف قانونی، قضات

را در برابر این چالش قرار داده است که آیا «شبهات ماهوی» برای شمول بند (الف) کافی است یا باید «عینیت قانونی» را ملاک تشخیص دانست؟

۳-۱. تلاش‌های تقنینی و مداخلات تفسیری در تحدید مفهوم:

در فقدان صراحت قانونی، مقنن برای نخستین بار در پیش‌نویس «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، با الحاق تبصره‌ای به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، در پی ارائه معیاری برای تفکیک جرایم «مختلف» و «غیرمختلف» برآمد. در این تبصره، دایره شمول جرایم غیرمختلف با ذکر مصادیقی همچون جرایمی که به شیوه‌های گوناگون محقق می‌شوند (مانند مواد مخدر) یا جرایمی که در حکم جرم دیگری هستند، توسعه یافته بود. در تبصره مقرر شده بود «جرایمی از قبیل سرقت، جعل و کلاهبرداری که دارای گونه‌های مختلف یا مجازات‌های متفاوت است و جرایمی که به شیوه‌های مختلفی قابل تحقق است مثل صادرات، واردات، تولید، توزیع، حمل، نگهداری و استعمال مواد مخدر همچنین جرایمی که به موجب قانون در حکم جرم دیگری محسوب می‌شود و یا مجازات جرم دیگری برای آن مقرر شده است و شروع و معاونت در این جرائم متفاوت محسوب نمی‌شوند» که با ایراد شورای نگهبان مبنی بر اطلاق و عدم شفافیت رد شد و با رد این تبصره نمایندگان اقدام دیگری برای رفع مشکل نمودند و این ایراد موجب تفسیرهای مختلف قضات و حقوقدانان در مورد جرایم مختلف و غیر مختلف گردید.

پس از این ناکامی تقنینی، سکوت قانون‌گذار به خلاء تفسیرپذیری انجامید که اداره حقوقی قوه قضائیه با نظریه مشورتی شماره ۴۱۵/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۷ سعی در پر کردن آن نمود.^۱ نگاهی دقیق به این نظریه، نشان‌دهنده «احیای غیرمستقیم» همان تبصره‌ی رد شده در قالب یک دستورالعمل ارشادی است. اداره حقوقی در این نظریه، ۶ معیار را برای تشخیص جرایم غیرمختلف احصا کرده که شامل هم‌پوشانی‌های موضوعی (مانند بند ۳ درخصوص وحدت موضوع در

۱. «...در موارد ذیل جرایم غیر مختلف محسوب می‌شوند ۱. ارتکاب یک جرم خاص به صورت متعدد مانند ارتکاب متعدد سرقت‌های منطبق بر یک ماده خاص. ۲. جرایمی که به رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند مانند سرقت‌های متعدد یا جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است. ۳. رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آن واحد هست مثل حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد. ۴. دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آن مجازات پیش‌بینی شده است. ۵. ارتکاب جرایمی که مجازات جرم دیگر در باره آنها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری در باره آنها مقرر شده است یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود. ۶. شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رای وحدت رویه دیوان عالی کشور از قبیل رای شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۱/۱۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) ضوابط و معیارهای خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود»

مشروبات الکلی و اسلحه) و هم‌پوشانی‌های قانونی (مانند بند ۴ در خصوص وحدت ماده قانونی) می‌باشد. با این وجود، اتکا به این نظریه مشورتی با دو چالش اساسی روبروست:

نخست اینکه، نظریات مشورتی علی‌رغم وزن کارشناسی، فاقد اعتبار قانونی لازم برای پر کردن خلأهای صریح قانون‌گذار هستند؛ دوم اینکه، این نظریه، دایره «غیرمختلف» را به گونه‌ای بسط داده است که مرز میان «تعدد جرم» و «جرم واحد مستمر» یا «جرم مرکب» را کمرنگ می‌سازد. به نظر می‌رسد این رویکرد، بیش از آنکه بر «عینیت عنصر قانونی» استوار باشد، بر «شباهت ماهوی» یا «وحدت موضوع» تکیه دارد که خود زمینه را برای تفاسیر سلیقه‌ای قضات مهیا می‌کند.

در ادامه، جهت تبیین دقیق‌تر این شکاف، دیدگاه‌های دکترین حقوق در خصوص این ملاک‌ها مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

الف. تفاوت در رفتار مجرمانه:

بر اساس این دیدگاه، معیار اصلی تفکیک، «عنصر مادی» است. بدین معنا که اگر رفتار مجرمانه در دو جرم، از حیث نوع فعل ارتكابی متفاوت باشد، آن جرایم «مختلف» محسوب می‌شوند، حتی اگر سایر عناصر جرم (مانند عنصر معنوی یا نوع بزه دیده) یکسان باشد. در این رویکرد، تفاوت در شرایط، اوضاع و احوال یا حتی مجازات، تأثیری در این تفکیک ندارد. به عنوان مثال، از نگاه پیروان این نظریه، «سرقت ساده» و «سرقت مقرون به آزار» به دلیل «وحدت در رفتار ربایش»، «غیرمختلف» تلقی می‌شوند در عین حال مباشرت و معاونت در جرم خاص، «مختلف» به حساب می‌آیند). توکل پور و احمدیان، ص. ۸۳-۱۰۵)

این دیدگاه با وجود سادگی، دچار یک نقص ساختاری جدی است: و آن «بی‌توجهی به ماهیت بزه» است. اگر رفتار مادی را تنها معیار بدانیم، ناچار خواهیم شد میان «مباشرت» و «معاونت» در یک جرم واحد، یا میان «شروع به سرقت» و «سرقت تام»، قائل به تعدد «جرایم مختلف» شویم؛ در حالی که چنین رویکردی با عدالت کیفری و منطق حاکم بر ماده ۱۳۴ در تضاد است. در واقع، این نظریه از آنجا که «وحدت اراده و قصد مجرمانه» را نادیده می‌گیرد، دایره‌ی «جرایم مختلف» را به شکلی غیرمنطقی توسعه می‌دهد. وقتی مرتکب، قصد نهایی «ربودن مال» را دارد، نباید تغییر جزئی در «مدل رفتار مادی» (مثلاً از شروع به سرقت به سرقت تام) را عاملی برای خروج از دایره «جرایم غیرمختلف» دانست. این دیدگاه عملاً باعث می‌شود که در اکثر پرونده‌ها، متهمان با مجازات‌های سنگین‌تر مربوط به تعدد جرایم مختلف روبرو شوند، که این نتیجه‌گیری با روح قوانین کاهش مجازات و اصل تفسیر به نفع متهم در تضاد است.

ب. جرایم با وحدت حکم یا احاله مجازات:

بر اساس این دیدگاه، مراد از جرایم «غیرمختلف» آن دسته از جرایمی هستند که یا حکم واحدی دارند، یا مجازات یکی از آنها به جرم دیگر احاله شده است. به بیان دیگر، هرگاه قانون‌گذار برای دو رفتار مجرمانه، مجازات یکسانی مقرر کرده یا مجازات یکی را به دیگری احاله داده باشد، آن دو در زمره جرایم غیرمختلف قرار می‌گیرند. برای نمونه، برخی حقوقدانان کلاهبرداری و انتقال مال غیر را از این سنخ دانسته‌اند؛ زیرا مجازات جرم انتقال مال غیر به مجازات کلاهبرداری احاله شده است. (یکرنگی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰)

این دیدگاه نیز با اشکالات جدی مواجه است. نخست آنکه، اشتراک در مجازات یا احاله‌ی مجازات، به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل بر وحدت یا مشابهت دو جرم باشد. کلاهبرداری و انتقال مال غیر اگرچه از حیث ضمانت اجرای کیفری به یکدیگر نزدیک‌اند، اما از لحاظ عنصر مادی، شیوه ارتکاب، و حتی ارکان قانونی متفاوت‌اند و در دو عنوان مستقل جرم‌انگاری شده‌اند. همین استقلال تقنینی نشان می‌دهد که قانون‌گذار این دو رفتار را واحد ندانسته است؛ بنابراین، نمی‌توان صرف وحدت مجازات را ملاک غیرمختلف بودن دانست.

از سوی دیگر، این دیدگاه در پاره‌ای موارد به نتایجی نادرست می‌انجامد. برای مثال، اگر عنوان مجرمانه معیار اصلی باشد، در این صورت صدور چک بلامحل و صدور چک از حساب مسدود به دلیل تفاوت عنوان، جرایم مختلف محسوب می‌شوند؛ حال آنکه از حیث ماهیت، هر دو ناظر بر تحصیل یا پرداخت نکردن مال از طریق ابزار چک هستند و تفاوت آن‌ها بیشتر در وضعیت حساب و وصف حقوقی رفتار است، نه در جوهره مجرمانه. بنابراین، این دیدگاه به دلیل تکیه افراطی بر وحدت یا تفاوت حکم، از تشخیص دقیق ماهیت جرایم ناتوان است.

ج. مشابهت حداکثری اجزای تشکیل دهنده بزه:

بر اساس این دیدگاه، برای تشخیص «مختلف» یا «غیرمختلف» بودن جرایم، باید ابتدا شباهت یا تفاوت رفتار فیزیکی مرتکب، اعم از فعل یا ترک فعل، آنی یا مستمر بودن، و ساده یا مرکب بودن رفتار مادی بررسی شود. در صورتی که در این سطح، شباهت احراز شود، نوبت به بررسی شرایط و اوضاع و احوال جرم، از جمله موضوع جرم، شیوه ارتکاب، و ویژگی‌های بزه‌کار می‌رسد. اگر در این مرحله نیز شباهت برقرار باشد، باید عنصر نتیجه و سپس رکن روانی، به‌ویژه وجود یا فقدان قصد خاص، مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین، هرچه اجزای بیشتری از ارکان جرم مشابه باشند، احتمال غیرمختلف بودن آن‌ها افزایش می‌یابد. (احمدزاده، الهام و تام، ۱۴۰۰، ص. ۷-۲۶)

بر پایه این تحلیل، برای مثال، حمل مواد مخدر که جرمی مستمر تلقی می‌شود با فروش مواد مخدر که غالباً به‌عنوان جرمی آنی در نظر گرفته می‌شود، متفاوت دانسته می‌شوند. همچنین، جعل اسکناس داخلی و خارجی موضوع بند ۵ ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و جعل اسکناس موضوع ماده ۵۲۶ همان قانون، به دلیل تفاوت در رکن روانی و برخی اوضاع و احوال، در زمره جرایم مختلف قرار می‌گیرند.

این دیدگاه نیز با ایرادات قابل توجهی مواجه است. نخست آنکه، افراط در تجزیه عناصر جرم می‌تواند به نتایجی دور از منطق حقوق کیفری بینجامد. به‌عنوان نمونه، بعید به نظر می‌رسد که حمل و فروش مواد مخدر، صرفاً به دلیل تفاوت در شکل رفتار یا آنی و مستمر بودن، دو جرم کاملاً مختلف محسوب شوند؛ به‌ویژه با توجه به سیاست کیفری حاکم بر قوانین مواد مخدر و نیز تبصره‌ای که هرچند در فرایند تقنینی به تصویب نهایی نرسید، اما نشان‌دهنده تمایل قانون‌گذار به تلقی این رفتارها به‌عنوان مصادیق غیرمختلف بود.

دوم آنکه، تکیه بر لایه‌لایه کردن ارکان جرم، مرز میان جرم واحد دارای صور مختلف و تعدد جرایم را مخدوش می‌کند. در بسیاری از موارد، تفاوت در عنصر مادی یا حتی برخی اوضاع و احوال، صرفاً به‌منزله تفاوت در شیوه ارتکاب است، نه اختلاف در ماهیت مجرمانه. از این رو، این دیدگاه در تشخیص ماهیت واقعی جرم، بیش از حد به ظاهر ارکان توجه می‌کند و از «وحدت ماهوی» غفلت می‌ورزد.

د) دیدگاه طبقه‌بندی موضوعی (جرایم علیه ارزش‌های یکسان):

برخی حقوق‌دانان معیار را «طبقه جرم» یا «ارزش مورد حمایت» می‌دانند. بر اساس این نظر، جرایمی که به یک طبقه از ارزش‌های حقوقی تعلق دارند (مانند جرایم علیه تمامیت معنوی، از جمله توهین و افترا؛ یا جرایم علیه اموال، مانند سرقت و کلاهبرداری)، «غیرمختلف» محسوب می‌شوند.

این دیدگاه به شدت کلی و موسع است. اگر «ارزش مورد حمایت» ملاک باشد، مرز میان جرایم بسیار گسترده می‌شود و اصل «تفسیر مضیق» در حقوق کیفری نقض می‌گردد. برای مثال، شباهت موضوعی سرقت (ربایش) و کلاهبرداری (فرب) صرفاً در «مالی بودن» است، اما ساختار بزه‌کارانه و نحوه ورود آسیب به قربانی در این دو، بسیار متفاوت است و تلقی آن‌ها به‌عنوان جرایم غیرمختلف، می‌تواند منجر به نتایج غیرمنصفانه در تعیین مجازات شود. (یک‌رنگی، ۱۴۰۱، ص. ۱۲)

ه) دیدگاه مبتنی بر ماده قانونی واحد:

در این رویکرد، معیار غیرمختلف بودن، اشتراک در «عنوان مجرمانه واحد» یا «شمول ذیل یک ماده قانونی» است. مثلاً اگر شخصی یک بار با «تلف کردن» و بار دیگر با «تصاحب کردن» مال، مرتکب دو فقره خیانت در امانت شود، از آنجایی که هر دو رفتار ذیل ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرند، این دو بزه «غیرمختلف» تلقی می‌شوند. (روستائی و رحمانیان، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۰)

اگرچه این معیار در ظاهر متقن به نظر می‌رسد، اما در مواردی که یک ماده قانونی شامل رفتارهای بسیار متنوع و حتی ناهمگون است، دچار چالش می‌شود. اینکه صرفاً به دلیل استقرار ذیل یک «ماده»، جرایم غیرمختلف دانسته شوند، غفلت از این واقعیت است که قانون‌گذار گاهی در یک ماده، رفتارهای مجرمانه متمایزی را صرفاً برای سهولت تقنینی جمع کرده است (مانند برخی مواد جرایم اقتصادی یا رایانه‌ای).

به نظر نگارندگان، در تفسیر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی و تبیین مفهوم «جرایم مختلف» و «جرایم غیرمختلف»، نباید میان شباهت ماهوی، عینیت قانونی و عینیت مادی خلط کرد، بلکه باید به قدر متیقن اکتفا نمود. بر این اساس، مراد از جرایم غیرمختلف، جرایمی است که از حیث تمامی اوصاف و شرایط، با یکدیگر کاملاً مشابه باشند؛ به بیان دیگر، جرم غیرمختلف ناظر بر حالتی است که مرتکب یک جرم را دو بار یا بیشتر انجام داده باشد. در نتیجه، سایر فروض باید در زمره جرایم مختلف قرار گیرند.

از این رو، استناد برخی حقوقدانان و نیز اداره حقوقی قوه قضائیه به تبصره‌ای که به دلیل ایراد شورای نگهبان مورد تأیید قرار نگرفته است، برای تبیین مقصود قانون‌گذار از جرایم مختلف و غیرمختلف و استخراج ملاک‌های مزبور، موجه به نظر نمی‌رسد. زیرا، اولاً تبصره یادشده به تصویب نهایی نرسیده و به علت ابهام و اطلاق رد شده است؛ بنابراین، در فقدان جایگزین تقنینی، نمی‌توان آن را همچنان کاشف از اراده قانون‌گذار دانست. رد یک تبصره از سوی شورای نگهبان و عدم اصلاح آن از جانب قانون‌گذار، دلالت بر آن دارد که قانون‌گذار از آن مفاد عدول کرده و دیگر نمی‌توان به آن برای کشف اراده تقنینی استناد کرد.

ثانیاً، ایراد شورای نگهبان نسبت به آن تبصره نیز موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا تبصره مزبور ملاک مشخص و واحدی برای تشخیص جرایم مختلف و غیرمختلف ارائه نمی‌کرد و صرفاً به ذکر چند مثال بسنده کرده بود. در پی همین ابهام، حقوقدانان کوشیده‌اند از طریق تحلیل آن مثال‌ها، ملاک‌هایی استنباط کنند؛ حال آنکه هر یک از این ملاک‌ها با اشکالات جدی مواجه است، چنان‌که پیش‌تر بیان شد.

ثالثاً، مقتضای عدالت در فرض فقدان ملاک روشن و واحد، رجوع به قدر متیقن است. در محل بحث، قدر متیقن آن است که تنها جرایمی را غیرمختلف بدانیم که از تمامی جهات، عین یکدیگر باشند. اتخاذ چنین معیاری موجب می‌شود که در همه پرونده‌ها، مبنای واحدی برای تعیین مجازات وجود داشته باشد و از تفاوت آراء قضایی جلوگیری شود. در غیر این صورت، اگر تفسیر جرایم مختلف و غیرمختلف به صلاحدید قضات واگذار شود، ممکن است در پرونده‌های مشابه، احکام متفاوتی صادر گردد. برای مثال، در خصوص متهمی که مرتکب کلاهبرداری و فروش مال غیر شده است، ممکن است قاضی‌ای این دو را مختلف بداند و وفق بند «ب» ماده ۱۳۴ حکم دهد، در حالی که قاضی دیگر همان رفتار را غیرمختلف تلقی کرده و بر اساس بند «الف» همان ماده مجازات تعیین کند. چنین وضعی با اصل عدالت و امنیت قضایی سازگار نیست.

رابعاً، اطلاق عبارت «فقط یک مجازات تعیین می‌شود» در ماده ۱۳۴ نیز قرینه‌ای مهم بر این است که قانون‌گذار در مقام تنظیم حکم، ناظر به جرایمی بوده که در اصل، هم‌سنخ و قابل جمع در یک قالب واحد هستند. در واقع، هنگامی که قانون‌گذار بدون تفکیک میان مجازات‌های مختلف، صرفاً از تعیین یک مجازات سخن می‌گوید، مفروض او آن است که جرم‌های ارتكابی از حیث ماهیت و ضمانت اجرای کیفری، در یک سطح قرار دارند. در غیر این صورت، اگر حکم مزبور شامل جرایم دارای مجازات‌های متفاوت نیز می‌بود، قانون‌گذار ناگزیر می‌بایست معیار انتخاب مجازات را مشخص کند؛ زیرا در چنین فرضی، تعیین این‌که مجازات نهایی باید اشد باشد یا غیر اشد، یا به اختیار دادگاه تعیین شود، خود نیازمند تصریح قانونی بود. فقدان چنین تصریحی نشان می‌دهد که اراده تقنینی متوجه جرایمی بوده است که از تمام جهات، از جمله حیث مجازات، متحد و یکسان‌اند. از این رو، «غیرمختلف» در ماده ۱۳۴ را باید به جرایمی مانند دو فقره کلاهبرداری محدود کرد که در همه اوصاف، عین یکدیگرند.

۲. رای مورد پژوهش:

۱-۲. استدلال رای مورد پژوهش در تعیین مجازات:

در پرونده مورد مطالعه، دادگاه با استناد به یکی از معیارهای تفسیری رایج در دکترین، بزه «نگهداری مشروبات الکلی داخلی و خارجی» را با وجود تفاوت در عناوین قانونی و مجازات‌های مقرر، در زمره جرایم «غیرمختلف» تلقی کرده و بر مبنای بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، تنها یک مجازات تعیین نموده است. در این میان، دادگاه مجازات ناظر به مشروبات داخلی را احتمالاً به عنوان «مجازات اشد» برگزیده است.

این رویه اما، خود معطوف به اختلافی بنیادین میان حقوقدانان درباره قلمرو بند «الف» ماده ۱۳۴ است:

دیدگاه نخست (تفسیر مضیق و اشدمحور): قائلان به این دیدگاه معتقدند که در فرض تعدد جرایم غیرمختلف، قاضی مکلف است مجازات اشد را به عنوان «مبنا» انتخاب کرده و سپس در صورت اقتضا، آن را تشدید نماید. دیدگاه دوم (تفسیر مبتنی بر اختیار): گروهی دیگر بر این باورند که قانون‌گذار در بند «الف»، قیدی مبنی بر لزوم انتخاب مجازات اشد نیاورده است؛ بنابراین قاضی در تعیین نوع مجازات (اعم از شدید یا خفیف) مخیر است و می‌تواند پس از انتخاب هر یک از مجازات‌های قانونی جرایم ارتكابی، آن را در چارچوب اختیارات قانونی تشدید مجازات، اعمال نماید حتی اگر مجازات اشد نباشد.

۲-۲. نقد و تحلیل رای مورد پژوهش:

تلقی بزه «نگهداری مشروبات الکلی داخلی و خارجی» به عنوان جرایم «غیرمختلف» و نتیجتاً اعمال بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، با ایرادات بنیادینی مواجه است که در ادامه تبیین می‌شود:

الف. مغایرت با حکمت قانونگذار و اصل تمایز عناصر قانونی: یکی از معیارهای اصلی در تشخیص «اختلاف» جرایم، رجوع به اراده تقنینی و جایگاه مواد قانونی است. در مانحن‌فیه، قانون‌گذار به‌صورت آگاهانه و با رویکردهای متفاوت، به تنظیم عناوین مجرمانه برای مشروبات داخلی و خارجی پرداخته است:

۱. مشروبات داخلی: مقنن در ماده ۷۰۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، نگهداری مشروبات الکلی داخلی را جرم‌انگاری کرده و مجازات «شش ماه تا یک سال حبس»، «تا هفتاد و چهار ضربه شلاق» و «جزای نقدی معادل پنج برابر ارزش عرفی کالا» را برای آن تعیین نموده است. در این ماده، نوع جرم و کیفر، صراحتاً در بستر قانون مجازات اسلامی تعریف شده است.

۲. مشروبات خارجی (کالای ممنوع قاچاق): در مقابل، نگهداری مشروبات الکلی خارجی تحت عنوان «قاچاق کالای ممنوع»، تابع مقررات خاص «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» (ماده ۲۲ و تبصره ۱ آن) است. قانون‌گذار در این قانون، با اتخاذ رویکردی متفاوت و مبتنی بر «ارزش کالا» (نظام درجه‌بندی کیفری پلکانی)، مجازات‌های حبس و جزای نقدی را با ضریب‌های متفاوتی (از دو تا ده برابر ارزش کالا) مقرر کرده است. قانون‌گذار بیان داشته است: «هرکس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به‌شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴) مجازات می‌شود:

الف- در صورتی که ارزش کالا تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

ب- در صورتی که ارزش کالا از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

پ- در صورتی که ارزش کالا از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

ت- در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به دوسال تا پنج سال حبس و به جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

تبصره ۱ (اصلاحی)- «در صورتی که ارزش عرفی (تجاری) مشروبات الکلی مشمول بندهای (الف) و (ب) این ماده باشد مرتکب علاوه بر جریمه نقدی مقرر در این ماده به مجازات حبس از شش ماه تا یک سال محکوم می‌شود.»
تعیین مجازات برای این دو موضوع در دو قانون مستقل با منطق‌های کیفری کاملاً متفاوت، نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار میان «ماهیت» نگهداری مشروب داخلی (به عنوان یک جرم تعزیری سنتی) و نگهداری مشروب خارجی (به عنوان یک جرم اقتصادی در حوزه قاچاق)، تفکیک قائل شده است. بنابراین، «تعدد در قانون» و «تفاوت در مبانی تعیین مجازات»، قرینه‌ای قطعی بر «مختلف» بودن این جرایم است.

ب. تضعیف اصل بازدارندگی و ایجاد انگیزه برای سوء استفاده از قانون: یکی از اهداف غایی حقوق کیفری، ایجاد «بازدارندگی» از طریق تناسب میان جرم و مجازات است. رویه قضایی مورد نقد در این پرونده که با غیرمختلف دانستن نگهداری مشروبات داخلی و خارجی، قاضی را به اعمال مجازات واحد (مبتنی بر بند «الف» ماده ۱۳۴) سوق می‌دهد، نه تنها با هدف قانون‌گذار در تضاد است، بلکه عملاً به ابزاری برای «سوءاستفاده از خلاءهای قانونی» بدل می‌شود. پیامدهای مثل:

۱. سقوط کارکرد بازدارندگی: با اعمال مجازات اشد (که معمولاً متوجه یکی از دو عنوان است)، مجازات دیگر جرم ارتكابی عملاً بلااثر و نادیده گرفته می‌شود. هنگامی که سیستم قضایی برای تعدد دو جرم متمایز، تنها یک کیفر را اعمال می‌کند، پیامی که به بزهکار مخابره می‌شود این است که «ارتکاب جرایم مشابه در کنار یکدیگر، هزینه کیفری اضافی در پی ندارد.

۲. مشوق ارتکاب جرم: این شیوه تفسیر از ماده ۱۳۴، نه تنها عدالت کیفری را به مسلخ می‌برد، بلکه با ایجاد «صرفه اقتصادی برای جرم»، عملاً مشوق بزهکاری است. زمانی که قاضی با تفسیر موسع بند «الف»، حجم بالای مشروبات خارجی که مشمول مجازات‌های سنگین «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» است را در سایه‌ی مجازات خفیف ماده ۷۰۲ (نگهداری مشروب داخلی) پنهان می‌کند، عملاً حاشیه امنیت غیرقانونی برای بزهکار ایجاد می‌نماید. در چنین وضعیتی،

متهم با ترکیب هوشمندانه کالاهای ممنوعه، می‌تواند از پرداخت جزای نقدی کلان و تحمل حبس‌های طولانی‌مدت بگریزد. این روند، نه تنها متهم را به «جری شدن» و استمرار در فعالیت‌های مجرمانه سوق می‌دهد، بلکه انگیزه برای توسعه دایره‌ی بزهکاری در حوزه کالاهای ممنوع را به شدت تقویت می‌کند.

در پاسخ به این پرسش احتمالی که آیا پذیرش معیار اشد (مبتنی بر قانون قاچاق) می‌تواند منجر به معکوس شدن سوءاستفاده (یعنی نادیده گرفتن مشروبات داخلی پرحجم در کنار مشروبات خارجی اندک توسط بزهکار) شود؟ باید تأکید کرد که اتفاقاً تنها راه برون‌رفت از این دوگانه باطل، پذیرش «نظریه عینیت» و تفکیک جرایم است. لذا وقتی دادگاه بر اساس «نظریه عینیت»، جرایم نگهداری مشروبات داخلی و خارجی را «مختلف» تلقی کرده و قائل به اعمال بند «ب» ماده ۱۳۴ باشد (یعنی تعیین مجازات مستقل برای هر عنوان و سپس تشدید آن)، دیگر نیازی به انتخاب سلیقه‌ای میان دو مجازات نیست. در این نظام تفسیری، قاضی مکلف است برای «نگهداری مشروب داخلی» یک مجازات و برای «نگهداری مشروب خارجی» مجازاتی دیگر تعیین کند و در نهایت، مجازات‌ها را با رعایت ضوابط تشدید، جمع نماید.

بنابراین، پذیرش «نظریه عینیت»، قاضی را از فشار انتخاب میان «بد و بدتر» خارج کرده و به او اجازه می‌دهد تا با در نظر گرفتن مجموع اقدامات مجرمانه، مجازاتی را تعیین کند که در آن، «تناسب کیفر» با «خطای مرتکب» هم‌تراز باشد. در چنین ساختاری، راه بر هرگونه «مهندسی مجازات» توسط بزهکار بسته شده و کیفر، کارکرد بازدارنده‌ی ذاتی خود را بازمی‌یابد.

ج. عدم تناسب میان جرم و مجازات و وارونگی عدالت کیفری: یکی از اصول مسلم حقوق جزا، تناسب میان کیفر با شدت رفتار مجرمانه و میزان آسیب‌رسانی به نظم عمومی است. در واقع موضوع جرم نقش بسیار حیاتی در تعیین شدت و نوع مجازات دارد. (اسلامی‌نیا، سیفی و قیاسی، ۱۴۰۴، ص. ۸۵) استدلال رای مورد پژوهش مبتنی بر اعمال بند «الف» ماده ۱۳۴ در مورد جرایم مختلف، منجر به نادیده گرفتن این اصل و ایجاد نتایج غیرمنطقی شده است:

۱. چالش «وارونگی مجازات» در مقایسه با تعدد معنوی: در «تعدد معنوی»، متهم با یک رفتار، مرتکب دو عنوان مجرمانه می‌شود و مقنن به دلیل ماهیت خاص آن، قاضی را مکلف به تعیین مجازات اشد نموده است. حال در فرض «تعدد مادی جرایم غیرمختلف» (مانند نگهداری توأمان مشروب داخلی و خارجی)، متهم دست به دو رفتار مجرمانه مجزا زده است که دلالت بر «سوءنیت مضاعف» و خطرناکی بیشتر او دارد. با این حال، اعمال بند «الف» ماده ۱۳۴ - فارغ از اینکه قاضی مجازات اشد را مبنا قرار دهد یا به دلخواه یکی را برگزیند - باعث می‌شود مجازات این متهم با مجازات «تعدد معنوی» برابر یا حتی کمتر شود. این «وارونگی»، با روح عدالت کیفری در تضاد است؛ چرا که منطقاً کسی که مرتکب

دو رفتار مجرمانه شده است، باید کیفر شدیدتری نسبت به کسی که یک رفتار داشته، متحمل شود. بنابراین، مقتضای عدالت، اعمال بند «ب» ماده ۱۳۴ (تعیین مجازات جداگانه برای هر جرم) و سپس تشدید آن است.

۲. ابطال کارکرد بازدارنده‌ی جزای نقدی: در جرایم مالی نظیر قاچاق مشروبات الکلی، «جزای نقدی» اصلی‌ترین ابزار بازدارندگی است. یکی از اهداف تعیین جزا نقدی به شکل متغیر یا نسبی بازداشتن بزهکار از انگیزه‌های سودجویانه در ارتکاب جرم است. به این معنا که با در نظر گرفتن جرمه‌هایی که فراتر از منافع حاصل از عمل مجرمانه هستند زمینه سوددهی جرم از بین می‌رود. (فتحی، کرامتی و احمدی، ۱۴۰۵، ص. ۲۹۶) در رویه مورد نقد، با اکتفا به مجازات مشروب داخلی (به عنوان اشد)، مجازات بسیار سنگین جزای نقدی مربوط به مشروبات خارجی عملاً نادیده گرفته می‌شود. این وضعیت، منجر به یک شکاف بزرگ می‌شود: چه بسا متهم مقدار اندکی مشروب داخلی (با جزای نقدی کم) و حجم انبوهی مشروب خارجی (با جزای نقدی بسیار سنگین) داشته باشد، اما دادگاه تنها به اولی اکتفا کند. چنین تفسیری نه تنها با حکمت قانون‌گذار در قوانین تعزیرات و قاچاق کالا و ارز (که همواره بر پرداخت سهم دولت و جرمه‌ی سنگین تأکید دارند) مغایرت دارد، بلکه عملاً موجب «رایگان‌سازی» جرم قاچاق برای متهم می‌گردد. لذا، رویه‌ی فعلی در دادگاه‌ها، نه تنها به نفع متهم و به ضرر خزانه و امنیت عمومی است، بلکه باعث تزلزل در اعتبار قوانین خاص قاچاق کالا و ارز شده است. نظریه عینیت، با محدود کردن شمول بند «الف» به مواردی که واقعاً مشابهت ماهوی و قانونی مطلق دارند، تنها راه برون‌رفت از این بن‌بست تفسیری و بازگرداندن تناسب به احکام قضایی است.

د. تشخیص مجازات اشد: حتی اگر در مقام تنزل، رویکرد دادگاه مبنی بر اعمال بند «الف» ماده ۱۳۴ را بپذیریم، رأی مورد پژوهش از حیث «تشخیص اشد» نیز دچار خطای فاحش محاسباتی است. دادگاه بدون احراز «ارزش عرفی» مشروبات خارجی (که لازمه‌ی تطبیق با بندهای چهارگانه‌ی ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است)، به‌طور پیش‌فرض مشروب داخلی را به عنوان جرم اشد لحاظ کرده است که قابل نقد است زیرا قاضی مکلف بوده است پیش از تعیین مجازات، ارزش عرفی ۹ بطری مشروب خارجی را استعلام نماید. چنانچه این ارزش در زمره‌ی بندهای «پ» یا «ت» ماده ۲۲ قرار گیرد (که به ترتیب حبس‌های تا دو سال و تا پنج سال را در پی دارد)، بزه مذکور به مراتب شدیدتر از مجازات مقرر در ماده ۷۰۲ قانون تعزیرات (برای مشروب داخلی) است. لذا، رأی مورد پژوهش نه تنها از منظر مبنای تعدد جرم (اعمال بند الف) قابل نقد است، بلکه از نظر فنی و محاسباتی در تطبیق مجازات اشد نیز فاقد وجهت علمی است.

ه. تشتت در رویه قضایی: آسیب‌شناسی رأی صادره، صرفاً نشان‌دهنده یک اشتباه در صدور حکم نیست، بلکه «خروجی محتوم» و ناگزیر ابهام در متن ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی است. در واقع، این رأی گواهی می‌دهد که فقدان ضابطه‌ای روشن برای تفکیک «جرائم مختلف» از «غیرمختلف»، آرا قضایی را به دو مسیر متناقض سوق داده است که در آن، عدالت قضایی قربانی تفسیرهای متعارض می‌شود. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ابهام در متن ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، عدم تعریف ضابطه‌مند از «جرائم غیرمختلف» است. این خلأ قانونی باعث شده است که برداشت‌های شخصی قضات جایگزین وحدت رویه گردد. بررسی آرای صادره در سامانه تناد قوه قضاییه نشان می‌دهد که در موضوع واحد «نگهداری توأمان مشروبات داخلی و خارجی» دادگاه‌ها به دو مسیر کاملاً متناقض رفته‌اند:

۱. رویکرد اول (تفسیر موسع و اشدمحور): برخی دادگاه‌ها با تلقی این جرایم به عنوان «غیرمختلف»، صرفاً به تعیین یک مجازات (مبتنی بر مجازات جرم اشد) بسنده کرده‌اند. در یک نمونه، متهم به دلیل نگهداری مشروب داخلی و خارجی، تنها برای مشروب داخلی محکوم به حبس، شلاق و جزای نقدی شده و عملاً بزه قاچاق مشروب خارجی در پرده‌ی ابهام باقی مانده است.

۲. رویکرد دوم (تفسیر مضیق و تفکیک‌محور): در مقابل، برخی شعب با نگاهی دقیق‌تر، مشروب داخلی و خارجی را دو جرم کاملاً مختلف (به دلیل تفاوت در عناصر قانونی و ماهیت بزه) دانسته و بر اساس بند «ب» ماده ۱۳۴، برای هر عنوان مجرمانه، مجازات مستقل تعیین کرده و سپس تشدید نموده‌اند. چنان‌که در پرونده‌ای دیگر، متهم از بابت هر کدام از عناوین (مشروب دست‌ساز و مشروب خارجی) به صورت جداگانه به مجازات‌های نقدی بدل از حبس و شلاق محکوم شده است.

وجود چنین تفاوت فاحشی در انشای رأی برای موضوع واحد، مصداق بارز «بی‌عدالتی قضایی» است. فردی ممکن است با اعمال بند «الف» از مجازات سنگین قاچاق خارجی رهایی یابد، در حالی که فرد دیگری در شرایط مشابه، به دلیل رویکرد متفاوت قاضی، متحمل چندین فقره مجازات مستقل می‌شود. این تشتت، مؤید یک حقیقت تلخ است: «قانون‌گذار ما در تنظیم ماده ۱۳۴، مرز روشنی ترسیم نکرده است.» بدین ترتیب، تنها راه نجات از این بحران، پذیرش «نظریه عینیت» است؛ نظریه‌ای که «جرائم غیرمختلف» را منحصراً به تکرار دقیق یک جرم واحد (از حیث تمام اوصاف) محدود کرده و تمامی موارد دیگر را در دایره «جرائم مختلف» (مشمول بند «ب») قرار می‌دهد. این تفسیر، ضمن پایان دادن به سلیقه‌گرایی قضایی، اصل «برابری شهروندان در برابر قانون» و «تناسب مجازات» را احیا خواهد کرد. برخی معتقدند راه برون رفت فوری از ابهام موجود باتوجه به سکوت فعلی قانون‌گذار صدور رأی وحدت رویه از سوی هیات

عمومی دیوان عالی کشور در راستای انجام وظیفه مندرج در ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری و ایجاد رویه واحد است. (توکل پور و احمدیان، ۱۴۰۴، ص. ۱۰۰)

نتیجه گیری:

پژوهش حاضر نشان داد که ابهام موجود در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بیش از آنکه برخاسته از خلأهای ساختاری در قواعد ترکیب مجازات باشد، ناشی از فقدان یک «معیار متیقن» برای تفکیک میان «جرائم مختلف» و «غیرمختلف» است. بررسی دکترین حقوقی و رویه‌های قضایی نشان می‌دهد که تکیه بر معیارهایی نظیر «ماهیت رفتار» یا «مشابهت مجازات»، راه به تفسیرهای متناقض و دور از واقعیت‌های جرم‌شناختی برده و در نهایت منجر به وارونگی عدالت کیفری گشته است. بر این اساس، پژوهش پیش رو با ارائه «نظریه عینیت» استدلال می‌کند که مفهوم «جرائم غیرمختلف»، تنها زمانی محقق است که میان جرائم ارتكابی، «تطابق کامل و هم‌زمان» در عنصر قانونی، مادی و نوع کیفر وجود داشته باشد؛ به نحوی که جرم دوم، صرفاً «تکرار عینی» همان جرم نخست باشد. هرگونه تفاوت در این اجزا (از قبیل تفاوت در نوع قانون حاکم، وزن کالای مکشوفه یا نحوه تعیین مجازات)، دالّ بر وجود دو جرم متمایز است. بدین ترتیب، اعمال بند «ب» ماده ۱۳۴ و تعیین مجازات مستقل برای هر عنوان، نه یک انتخاب، بلکه یک «الزام حقوقی» است. تنها از رهگذر این نظریه است که می‌توان ضمن مهار سلیقه‌گرایی قضایی و بستن منافذ سوء استفاده‌های مجرمانه، «تناسب کیفر» را احیا و بازدارندگی ذاتی قوانین کیفری را تضمین نمود.

منابع

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
 - قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۰.
۱. احمدزاده، رسول؛ الهام، غلامحسین؛ تام، مجتبی، (۱۴۰۰)، «ضابطه تفکیک جرایم مختلف از غیرمختلف در ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، (۲)، ۷-۲۶.
 ۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، جلد سوم.
 ۳. اردمه، محمدرضا، (۱۴۰۴)، تحولات کیفرگذاری تعدد جرم با تأکید بر قانون کاهش سال ۱۳۹۹، سیزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام.
 ۴. اسلامی نیا، قاسم؛ سیفی، داود؛ قیاسی، جلال الدین، (۱۴۰۴)، «تحلیل و تبیین موضوع جرم در حقوق کیفری: رویکردی نوین به ماهیت، ابعاد و کارکردهای آن»، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۴)، ۶۴-۹۳. Doi: [10.22034/jclc.2025.2074071.1266](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2074071.1266)
 ۵. بذری شرفشادی، علیرضا، (۱۴۰۱)، تحولات نهاد تعدد جرم در حقوق ایران در پرتو قانون کاهش حبس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گیلان، دانشگاه گیلان.
 ۶. توکل‌پور، محمدهادی؛ احمدیان، مهدی، (۱۴۰۴)، «معیار تمایز جرایم مشابه و مختلف در تعدد جرم با تأکید بر رویه قضایی»، مجله رویه قضایی، ۱(۱)، ۸۳-۱۰۵.
 ۷. حسینی، محمدحسن؛ مجیدی، سیدمحمود، (۱۴۰۰)، «گونه‌شناسی و کیفرگذاری تعدد جرم در حقوق ایران و اردن»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۲(۲)، ۷۹-۱۰۴.
 ۸. خالقی، ابوالفتح؛ میرزائی، زهرا، (۱۴۰۰)، «دستاوردها و چالش‌های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی»، تمدن حقوقی، ۴(۹)، ۳۹-۵۶.
 ۹. خدابنده‌لو، نسرین، (۱۳۹۴)، نقد و بررسی رویکرد قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم.
 ۱۰. روستائی، مهرانگیز؛ رحمانیان، حامد، (۱۴۰۱)، «معیار تفکیک جرایم "مختلف" از جرایم "غیرمختلف" در اعمال قواعد تعدد مادی جرم»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۱۸)، ۱۱۵-۱۳۵.
 ۱۱. رضائی، فائزه، (۱۴۰۱)، بررسی تحولات تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش حبس تعزیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز، دانشگاه تبریز.

۱۲. زراعت، عباس، (۱۴۰۲)، حقوق کیفری عمومی ۳، تهران، نشر اندیشه‌های حقوقی، چاپ اول.
۱۳. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب، (۱۳۹۵)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، جلد اول.
۱۴. عابدی، احمدرضا، (۱۴۰۰)، نگرشی کاربردی به حقوق جزای عمومی، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول.
۱۵. فتحی، محمدجواد؛ کرامتی معز، هادی؛ احمدی، آیدا (۱۴۰۵)، «چالش‌های جزای نقدی نسبی در حقوق کیفری ایران»، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۳(۵)، ۳۲۴-۲۹۵. Doi: [10.22034/jclc.2026.2074071.1266](https://doi.org/10.22034/jclc.2026.2074071.1266)
۱۶. فروغی، فضل‌الله؛ رحیمیان، رضا، (۱۳۹۴)، «ارزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۷(۴)، ۱۷۱-۲۰۳.
۱۷. پوربافرانی، حسن، (۱۳۸۴)، «تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، ۹، پیاپی ۴۱، ۲۵-۴۶.
۱۸. پوربافرانی، حسین، (۱۴۰۱)، حقوق جزای عمومی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول.
۱۹. یکرنگی، محمد، (۱۴۰۱-۱۴۰۰)، جزوه کلاسی درس حقوق جزای عمومی، تهران، دانشگاه تهران.

References

- Islamic Penal Code of 2013. (in Persian)
 - Law on Amendment to the Act on Combatting Smuggling of Goods and Currency, 2021. (in Persian)
۱. Ahmadzadeh, R., Elham, G. H., & Tam, M. (2021). "The criterion for distinguishing different and non-different crimes under the amended Article 134 of the Islamic Penal Code." *Criminal Law Research Journal*, (2), 7-26. (in Persian)
 ۲. Ardebili, M. A. (2014). *General Criminal Law* (Vol. 3, 1st ed.). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
 ۳. Ardeme, M. R. (2025). "Transformations of sentencing for plurality of crime with emphasis on the 2020 crime reduction law." *The 13th International Conference on Religious Research, Islamic Sciences, Jurisprudence and Law in Iran and the Islamic World*. (in Persian)
 ۴. Eslamiania, Q., Seifi, D., & Ghiasi, J. (2025). "Analysis and explanation of the concept of crime in criminal law: A new approach to the nature, dimensions and functions of it." *Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(4), 64-93. Doi: [10.22034/jclc.2025.2074071.1266](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2074071.1266) (in Persian)
 ۵. Badri Sharafshadi, A. (2022). *Transformations of the institution of plurality of crimes in Iranian law in light of the crime reduction law* [Master's thesis, University of Guilan]. (in Persian)
 ۶. Tavakkolpour, M. H., & Ahmadian, M. (2025). "The criterion for distinguishing similar and different crimes in plurality of crime with emphasis on judicial practice." *Judicial Practice Journal*, 1(1), 83-105. (in Persian)

۷. Hasani, M. H., & Majidi, S. M. (2021). "Typology and sentencing of plurality of crimes in Iranian and Jordanian law." *Criminal Law Research Journal*, 12(2), 79–104. (in Persian)
۸. Khaleqi, A. F., & Mirzaei, Z. (2021). "Achievements and challenges of plurality and recidivism of crime under the 2019 Act on Reduction of Ta'zir Imprisonment, with an applied approach." *Legal Civilization*, 4(9), 39–56. (in Persian)
۹. Khodabandehloo, N. (2015). *Critical review of the approach of the Islamic Penal Code* [Master's thesis, University of Qom]. (in Persian)
۱۰. Rostaei, M., & Rahmadian, H. (2022). "The criterion for distinguishing 'different' crimes from 'non-different' crimes in applying the rules of material plurality of crime." *Judiciary Legal Journal*, 86(118), 115–135. (in Persian)
۱۱. Razaei, F. (2022). *Investigation of the transformations of plurality and recidivism of crime in the Act on Reduction of Ta'zir Imprisonment* [Master's thesis, University of Tabriz]. (in Persian)
۱۲. Zeraat, A. (2023). *General Criminal Law 3* (1st ed.). Tehran: Andisheh-haye Hoghooghi Publishing. (in Persian)
۱۳. Shams Natri, M. E., Kalantari, H. R., Zare, E., & Riyazat, Z. (2016). *The Islamic Penal Code in the Current Legal Order* (Vol. 1, 3rd ed.). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
۱۴. Abedi, A. R. (2021). *A Practical Approach to General Criminal Law* (1st ed.). Tehran: Judiciary Publications Center. (in Persian)
۱۵. Fathi, M. J., Keramati Mo'ez, H., & Ahmadi, A. (2026). "Challenges of relative pecuniary punishment in Iranian criminal law." *Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 3(5), 295–324. Doi: [10.22034/jclc.2026.2067219.1225](https://doi.org/10.22034/jclc.2026.2067219.1225) (in Persian)
۱۶. Foroughi, F., & Rahimian, R. (2015). "An assessment of material plurality of Ta'zir crimes in the Islamic Penal Code enacted in 2013." *Shiraz University Journal of Legal Studies*, 7(4), 171–203. (in Persian)
۱۷. Pourbafarani, H. (2005). "Plurality and recidivism in Iranian criminal law." *Modares Human Sciences Quarterly*, 9 (Serial 41), 25–46. (in Persian)
۱۸. Pourbafarani, H. (2022). *General Criminal Law* (1st ed.). Isfahan: University of Isfahan Press. (in Persian)
۱۹. Yekrangi, M. (2021–2022). *Class notes on General Criminal Law* [Master's level, University of Tehran]. (in Persian)

Abstract

The determination of “multiple offenses” (*ta’addod-e jorm*) in the context of alcoholic beverage crimes, particularly when involving both domestic and foreign spirits, presents a significant jurisprudential and legal challenge within the Iranian criminal justice system. While Article 134 of the Islamic Penal Code (2013) establishes a general framework for multiple offenses, its practical application—specifically in distinguishing between “similar” and “dissimilar” crimes—remains highly contentious among legal scholars and practitioners. This article employs an analytical-comparative research methodology to examine the complexities of criminal liability in these cases. Central to this study is a critical analysis of the judicial reasoning observed in the ruling of Branch 114 of the Qom Criminal Court (No. 14040239000214884). Through this case study, we demonstrate that the prevailing judicial approach often relies on superficial thematic similarities, such as the mere presence of alcohol, rather than a rigorous legal distinction. We argue that this reliance on “subjective similarity” fails to account for the structural and legal nuances mandated by Article 134, leading to inconsistent sentencing and a lack of legal predictability. Our findings suggest that such inconsistencies undermine the deterrent effect and the principle of legality within the Iranian criminal justice system. To resolve this ambiguity, this article proposes the formal adoption of the “Objectivity Theory” (*Nazariyye-ye Ayniyyat*). This theoretical framework posits that multiple offenses should be defined based on the complete correspondence of the legal elements, the structural integrity of each individual crime, and the specific legislative intent behind the sentencing provisions. By transitioning from a subjective interpretation to this proposed objective criteria, we demonstrate how the judiciary can better distinguish between “similar” and “dissimilar” offenses. This shift ensures that sentencing for complex cases involving combined domestic and foreign liquor offenses remains proportional, fair, and aligned with the core principles of justice. Ultimately, this study provides a robust, practical solution for judicial practitioners and policymakers, contributing to the ongoing efforts to refine criminal law reforms and standardize sentencing procedures in the Iranian legal landscape.

Keywords: Multiple Offenses, Article 134, Alcoholic Beverages, Objectivity Theory, Criminal Sentencing, Judicial Procedure, Iranian Criminal Law.